



## رابطه بین تداعی‌های تصویری از یک قطعه مقوایی ثابت بی‌هدف با درون‌گرایی - برون‌گرایی و میزان خلاقیت گروهی از هنرمندان تجسمی

افسانه ناظری\* پریسا داروئی\*\* کریم عسگری\*\*\* صالح غائی\*\*\*\*

### چکیده

تداعی تصویری ذهنی از فرمی مبهم و بی‌شکل، ممکن است برای هر شخصی اتفاق افتد اما تبدیل آن به فرمی عینی به صورت رسامی در حیطه توانایی‌های یک هنرمند است. در این پژوهش رابطه بین تداعی‌های تصویری ترسیم‌شده از یک قطعه مقوایی بی‌هدف به‌عنوان الگو توسط هنرمندان، با نوع شخصیت و میزان خلاقیت آنها بررسی می‌شود. نمونه پژوهش شامل ۸۰ هنرمند در مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکتری دانشگاه هنر اصفهان و انجمن هنرمندان نقاش اصفهان بوده است که به صورت نمونه‌گیری تصادفی در دسترس، انتخاب شده‌اند. به افراد، یک قطعه سفید مقوایی با فرمی بی‌هدف و یکسان داده شده و از آنان خواسته شد تصویر تداعی‌شده در ذهن خود را روی آن ترسیم کنند. سپس، به سؤالات یک پرسش‌نامه محقق ساخته به همراه آزمون شخصیت بزرگسال آیزنگ و آزمون خلاقیت عابدی پاسخ دهند. این پژوهش، از نوع کمی با روش همبستگی (رابطه‌ای) است که داده‌های آن با روش‌های آماری - توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت افراد با تداعی تصویری رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین گونه که افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افرادی با خلاقیت کمتر برون‌گراتر هستند. همچنین نتایج نشان داد که بین مضامین مختلف حاصل از تداعی‌های تصویری افراد از قطعه مقوایی فقط تجسم چهره کلاه‌به‌سر با فرم قطعه رابطه معنی‌داری دارد. به طوری که افراد خلاق‌تر، بیشتر موضوعات متفرقه و متفاوت را ترسیم کردند و افراد کمتر خلاق به ترسیم موضوع چهره کلاه‌به‌سر، بیشتر تمایل داشتند. همچنین، افراد برون‌گرا بیشترین تعداد را بین آزمون‌گران داشتند. بیشترین تفاوت برون‌گراها و درون‌گراها در تداعی و ترسیم موضوع چهره کلاه‌به‌سر بود که تعداد برون‌گراها بیشتر بود. بین احساس حرکت و تداعی‌های تصویری مختلف نیز رابطه معنی‌دار وجود داشته و احتمالاً ناشی از حالت یا فرمی است که قطعه داشته است.

پس می‌توان گفت بین ابعاد شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) و خلاقیت با تداعی‌های تصویری بین هنرمندان، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

**کلیدواژه‌گان:** خلاقیت، درون‌گرایی - برون‌گرایی، تداعی‌های تصویری، هنرمند.

\* استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان.

\*\* دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.

\*\*\* استادیار، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

\*\*\*\* کارشناس ارشد اقتصاد هنر، دانشکده کارآفرینی و گردشگری، دانشگاه هنر اصفهان.



## مقدمه

یکی از بازی‌های دوران کودکی که اکثر ما تجربه آن را داشته‌ایم، شکل‌سازی با فرم ابرها بود به طوری که تفسیر ذهنی ما از تکه‌ابری ثابت، با دوستان متفاوت بود (تصویر ۱). این تفاوت قدرت تخیل به ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و عوامل متعدد دیگری بازمی‌گردد که شاید منبع الهام برخی از روان‌شناسان برای طراحی برخی از آزمون‌های تصویری فرافکن شده باشد. ایده اینکه تفسیر یک شخص از اشکال مبهم، مبنایی برای ارزیابی شخصیت او قرار بگیرد، بحث جدیدی نیست. بین هنرمندان داوینچی<sup>۱</sup> و بوتیچلی<sup>۲</sup> قرن‌ها قبل، آن را پیشنهاد کرده بودند. به گونه‌ای که در قرن نوزدهم، یک بازی بر همین اساس، همه‌گیر شده بود (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۵۱).

بین نگارگران ایرانی استفاده از این روش برای بارور کردن تخیل بوده است. از جمله می‌توان به سلطان محمد در خلق چهره‌هایی از بین صخره‌های نقاشی شده به دست وی اشاره نمود. در سال ۱۸۹۵/الفرد بینه<sup>۳</sup> روان‌سنج فرانسوی از لکه‌های نامشخص جوهر برای برانگیختن تخیل خلاق آزمودنی‌ها کمک می‌گرفته و سپس از طریق فراوانی پاسخ‌های آنها، مقایسه‌شان می‌کرده است. وی در آغاز، لکه جوهر نامشخصی را به آزمودنی می‌داده و از او می‌خواست که هر چه بیشتر ادراکات خود را نام ببرد. به نظر بینه، فراوانی پاسخ‌ها در مدت زمانی معین غنای تخیل خلاق آزمودنی‌ها را نشان داده است. محققان دیگری نیز از لکه‌های جوهر برای هدف‌های تحقیقی متفاوت دیگر استفاده کردند که می‌توان به معروف‌ترین این افراد، ویبل<sup>۴</sup> آمریکایی اشاره نمود که در سال ۱۹۱۰ با ۲۰ عدد لکه جوهر ابداعی خود، تفاوت‌های فردی زمان عکس‌العمل گفتاری افراد را می‌سنجید. در روسیه، ریباکف<sup>۵</sup> ۸ عدد لکه جوهر ابداع کرد و مانند بینه تخیل افراد را سنجید. در سال ۱۹۱۶، بارلت<sup>۶</sup> انگلیسی رنگ‌ها را وارد لکه‌های جوهر کرد و کارت‌های رنگین به وجود آورد (بهرامی، ۱۳۸۳: ۴۲). تا بالاخره هرمان رورشاخ<sup>۷</sup> در سال ۱۹۲۱، ۱۰ کارت اولیه خود را با هدف سنجش ساختار شخصیتی منتشر کرد با تأکید خاص بر اینکه چگونه شخص مورد آزمون، تجارب خود را سازمان می‌دهد (سازمان دهی شناختی) و این تجارب ادراک شده برایش چه معنایی دارد: نوعی تصویرسازی ذهنی<sup>۸</sup> (weiner, 1994: 498-504). وی همچنین با دریافت و تفسیر پاسخ‌ها با روشی تجربی آن را نمره‌گذاری کرد. پس از او بک<sup>۹</sup> و کلاپفر<sup>۱۰</sup> این آزمون را با رویکردهای متفاوت به کار بستند (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۵۲ و ۷۵۳).

از دیگر آزمون‌های فرافکن، اندریافت موضوع (TAT)<sup>۱۱</sup> است که در سال ۱۹۳۰ هنری موری<sup>۱۲</sup> آن را ساخت و واکنش کلامی آزمودنی را نسبت به تعدادی تصویر تجزیه و تحلیل

می‌کرد. هدف این آزمون، آشکار ساختن مضامین اساسی در فرآورده‌های تخیلی شخص است (همان: ۸۶۳).

آزمون‌های تداعی کلمات و تکمیل جملات نیز، از انواع دیگر این آزمون‌هاست. تا اینجا به آزمون‌های فرافکنی اشاره شد که تنها از طریق تداعی، تکمیل و تفسیر کردن به صورت کلامی انجام می‌شد. آزمون‌های دیگری از این نوع وجود دارد که با تصویر کردن انجام می‌شود. از جمله: آزمون نقاشی آدمک، خانه، خانواده و درخت و آزمون طرح‌های دیداری بندر<sup>۱۳</sup> (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۷۶ و ۲۷۷).

برخی از خانواده درمانگرها از کل اعضا می‌خواهند یک تصویر بزرگ از فعالیت‌های خودشان بکشند و سپس طراحی مزبور را به بحث می‌گذارند (تاد و بورهات، ۱۳۷۹: ۱۴۱ و ۱۴۲). اما آزمون فرافکنی که در این نوشتار از آن استفاده شد، تلفیقی از هر دو نوع بود: تداعی تصویر و سپس ترسیم تصویر ذهنی و تبدیل آن به تصویری عینی توسط هنرمندان تجسمی از یک الگوی ثابت مقوایی. بدین گونه که، قطعه جادویی<sup>۱۴</sup> (تصویر ۳) تصورات، افکار، خاطرات و روابط درونی شخصی آزمودنی را بیرون می‌کشد و آن را با تجربه‌ها و برداشت‌های گذشته وی مرتبط می‌سازد تا تداعی تصویری یا تصویرسازی ذهنی صورت گیرد.

سپس برای سازماندهی این ادراکات خلاقیت فردی و مهارت و تخصص هنری آزمودنی نیز دخیل می‌شود تا وی بتواند تصویرسازی ذهنی خود را عینی کند.

اگرچه آزمون تصویری قطعه جادویی مانند آزمون‌های فرافکن، عمدتاً بر نظریه روان‌تحلیلگری مبتنی است و به عنوان یک روش بیانی با رویکرد شهودی، استعاره‌ای، آزمایشی و تعاملی ابزار سودمندی برای سنجش جامعه هنری خواهد بود، اما به دلیل نبود روش تفسیر یا نمره‌گذاری مورد توافق و نیز نمره‌گذاری ذهنی<sup>۱۵</sup> آزمون‌های فرافکن که در نوع خود پایایی و اعتبار ضعیفی دارند؛ در این پژوهش به آزمون‌های تأیید شده پیشین استناد شد. همچنین، در کنار استفاده از قطعه جادویی، از پرسش‌نامه شخصیت و خلاقیت برای بررسی روابط بین تداعی تصویری (موضوع ترسیم‌شده) از قطعه جادویی با درون‌گرایی - برون‌گرایی و میزان خلاقیت استفاده شد.

در این نوشتار، سعی بر آن بوده است این فرضیات به آزمون گذارده شود:

**فرضیه اصلی:** بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقوایی و میزان خلاقیت و درون‌گرایی - برون‌گرایی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

**فرضیه‌های فرعی:** ۱. بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقوایی و میزان خلاقیت آنها رابطه وجود دارد.

۲. بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقوایی و میزان درون‌گرایی - برون‌گرایی آنها رابطه وجود دارد.

## روش پژوهش

جامعه آماری دربردارنده ۸۰ نفر از دانشجویان و استادان هنرهای تجسمی در مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکتری دانشگاه هنر اصفهان و انجمن هنرمندان نقاش اصفهان بودند که به روش تصادفی انتخاب شدند. آزمون تصویری شامل یک قطعه مقوایی بریده شده بی هدف یکسان بود که آزمودنی‌ها می‌توانستند در جهات مختلف آن را بچرخانند و براساس نزدیک‌ترین تجسم خود، تصویری روی آن ترسیم کنند. در ضمن، به هر فرد تعدادی مداد رنگی داده شد به طوری که افراد در انتخاب رنگ و حتی به کارگیری ابزار شخصی آزاد بودند. آزمون‌های روان‌شناختی شامل پرسش‌نامه خلاقیت از عابدی<sup>۱</sup>، پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک<sup>۲</sup> و یک پرسش‌نامه محقق ساخته براساس قطعه مقوایی بود. آزمون خلاقیت عابدی براساس تقسیم‌بندی چهار ویژگی خلاقیت تورنس<sup>۳</sup> در چهار خرده آزمون: سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری<sup>۴</sup> در محدوده‌ای نمره گذاری می‌شود که از خلاقیت بسیار کم تا بسیار زیاد را بر مقیاس لیکرتی در برمی‌گیرد و شامل ۶۰ سؤال سه‌گزینه‌ای است. آزمون آیزنک نیز دارای ۵۶ سؤال با ۲ گزینه بله-خیر است و سه نمره به دست می‌دهد که براساس آن می‌توان میزان درون‌گرایی و برون‌گرایی<sup>۵</sup> و میزان حساسیت شخصی و تمایلات روان‌نژندی را نمره گذاری کرد. پرسش‌نامه محقق ساخته دارای ۹ سؤال بوده که ترجیح آزمودنی‌ها در رنگ، احساس حرکت، اولین و دومین تجسم بصری و احساس خوشایندی آنها نسبت به الگو (قطعه مقوایی) را مشخص می‌کرد. آلفای کرونباخ آزمون محقق ساخته روی نمونه‌ای از هنرمندان برابر با ۰٫۸۱ به دست آمد. آلفای کرونباخ در خرده‌آزمون‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری آزمون خلاقیت عابدی به ترتیب ۰٫۶۷، ۰٫۴۸، ۰٫۶۸ و ۰٫۵۵ گزارش شده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳). ضریب پایایی آزمون شخصیتی آیزنک نیز معادل ۰٫۸۳ گزارش گردیده است (اختیاری و همکاران، ۱۳۸۷). پژوهش حاضر، از نوع کمی با روش همبستگی است. داده‌ها با روش آماری-توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شدند.

**هدف اصلی:** تبیین رابطه بین تداعی‌های تصویری با درون‌گرایی-برون‌گرایی و میزان خلاقیت بین هنرمندان.  
**هدف‌های فرعی:** تبیین رابطه بین خلاقیت و تداعی‌های تصویری بین هنرمندان و تبیین رابطه بین درون‌گرایی-برون‌گرایی و تداعی‌های تصویری هنرمندان است.

## پیشینه پژوهش

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که نگارندگان پس از جستجو در منابع خارجی و داخلی مرتبط، پژوهشی درباره انجام چنین تستی پیدا نکردند. بخشی از دلایل آن، ناشی از این واقعیت است که این ایده برای نخستین بار به ذهن نگارندگان خطور کرده و به روش حاضر به آزمون گزارده شده است. اگرچه درباره تست رورشاخ (مرادی، ۱۳۸۴) و دیگر آزمون‌های فرافکن-حتی از نوع ترسیمی انجام شده- کمی مشابه تست حاضر بوده، اما هیچ‌کدام به گونه‌ای ترسیمی روی یک فرم یکسان صورت نگرفته است؛ به جز در تست سنجش خلاقیت تصویری تورنس (تصویر ۲) که تقریباً شبیه به تست حاضر با خطوط موج و شکسته یکسان برای تکمیل تصویر و تبدیل آن به اشکال مختلف، میزان خلاقیت آزمودنی‌ها را از کودک تا بزرگسال می‌سنجد (تورنس، ۱۳۹۲: ۹۳). در مجموعه تست‌های تصویری نیز بخشی به دایره‌ها و تبدیل آنها به اشکال و ساختن ایده‌های جدید تعلق دارد و بخش دیگر مربوط به تکه کاغذی رنگی به شکل منحنی است که از آزمودنی خواسته می‌شود آن را هر جا می‌خواهد، بچسباند و تبدیل به شکل دیگری کند (متقی، ۱۳۹۱). درباره پژوهش میان جامعه هنرمندان باید گفت، گاه تنها با رویکردهای روان‌کاوانه به تحلیل آثار خاصی پرداخته شده است (صنعتی، ۱۳۸۹). در خصوص تفاوت ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان و افراد عادی (آقایی و همکاران، ۱۳۸۲) و نیز رابطه بین میزان خلاقیت و نابهنجاری (محمودی، ۱۳۷۹)، پژوهش‌هایی انجام شده است که به دلیل خلاء موجود در پژوهش‌هایی در زمینه به‌آزمون‌گذاران اثر هنرمندان و تطبیق‌شان با میزان خلاقیت و نوع شخصیت آنها به صورت آزمون‌های استاندارد، ضرورت تحقیقاتی تصویری از این دست، احساس می‌شود.



تصویر ۲. نمونه‌ای از آزمون خلاقیت تصویر (نگارندگان)



تصویر ۱. بازی با لکه‌های ابر (نگارندگان)



## یافته‌ها

### الف. توصیف آزمون تصویری

در این بخش که صرفاً خود تصاویر ترسیم‌شده بر قطعه جادویی توصیف می‌شود، سعی شده با الهام از معیارهایی که رورشاخ برای تست لکه‌های جوهر برای نمره‌گذاری استفاده کرده بود، به تحلیل پرداخته شود.

وی از سه معیار: محتوا<sup>۲۱</sup> (نوع و مقدار اشیای خاص تداعی‌شده)، تعیین‌کننده‌ها<sup>۲۲</sup> (شکل، رنگ یا بافتی که باعث تداعی شده) و محل ادراک<sup>۲۳</sup> (مکان یا فضایی از لکه‌جوهر که باعث تداعی تصویر یا پاسخ شده است)، استفاده کرد (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۷۲-۷۸۱). رورشاخ به‌طور مشابه در بخش محتوا به موضوع تصاویر و نوع برخورد آزمودنی‌ها اشاره می‌نماید و در دو بخش بعدی، به جهتی که تصویر بر آن قطعه نقش می‌شود. همچنین، اشاره می‌کند قطعه جادویی کارشده شکل کامل تصویر را دربردارد یا بخشی از آن را. در بخش محتوا باید گفت که برخورد آزمودنی‌ها (هنرمندان) با این قطعه متفاوت بود. بعضی در همان اولین برخورد، تصویری در ذهن آنها شکل می‌گرفت و با دم‌دست‌ترین ابزار شروع به ترسیم آن می‌کردند. بعضی دیگر با حرکت دادن، چرخاندن و پشت‌ورو کردن قطعه به فکر فرومی‌رفتند و سپس ترسیم را آغاز می‌کردند. افراد دیگری نیز تداعی‌های متنوعی در آن واحد به ذهن‌شان متصور می‌شد به‌طوری که، قدرت انتخاب را از آنان می‌گرفت و پشت آن قطعه مقوایی را هم نقش می‌کردند (تصویرهای ۴-۶) یا حتی، تعداد بیشتری از آن قطعه جادویی را می‌خواستند. بیشتر افراد در نگاه اول چهره کلاه‌به‌سر را می‌دیدند اما برخی به برداشت و تداعی نخستین قانع نبوده و تداعی‌های بعدی را انتخاب می‌کردند. اگرچه هم‌گروه‌ها در شیوه ترسیم تفاوت‌هایی از لحاظ ساختاری با یکدیگر داشتند اما با بررسی موضوعات متنوع کارشده و هم‌گروه کردن موضوعات متفاوت، ۱۰ گروه متنوع با موضوعات تقریباً یکسان به‌دست آمد (جدول ۳).

همان‌طور که گفته شد، آزمودنی‌ها یا از همان ابتدا یا پس از چرخاندن قطعه در جهت خاصی تصویر تداعی‌شده را ترسیم می‌کردند. به‌عبارتی، پاسخ آزمودنی گاه به‌شکل عمودی قطعه،

جدول ۱. مقایسه خلاقیت و شخصیت هنرمندان

گروه	خلاقیت بالا	خلاقیت پائین
نمره برون‌گرایی (E)	۱۳.۱۵	۷.۲۵
نمره روان‌نژندی (N)	۱۰.۵	۵.۷۵
نمره خلاقیت (C)	۹۸	۶۲

(نگارندگان)

افقی یا وارونی جانبی آن بود. با بررسی کل ۸۰ قطعه، دیده می‌شود که استفاده از جهت عمودی فرم برای ارائه پاسخ بیشتر از جهت افقی آن بود. همچنین بیشترین تداعی آنها از موجودات جاندار بود تا بی‌جان؛ جز مواردی چون کفش، هواپیما و دو موضوع انتزاعی. در مواردی نیز نمونه‌هایی شبیه به هم از لحاظ محتوا و ساختار از افراد ناآشنا بایکدیگر به‌دست آمد (تصویر ۷). اگرچه با موضوعی یکسان چون پرند نیز در همه وجوه قطعه در آثار افراد مختلف نمونه‌هایی متفاوت یافت شد (تصویر ۸). عامل دیگری که باعث تنوع تصویری در پاسخ تصویری آزمودنی‌ها بود، مربوط به مسئله وفاداری به فرم بود. غیر از فردی که خارج از آن فرم اما با الهام از آن بر کاغذ دیگری نقش‌آفرینی کرد، بقیه بر خود قطعه کار کردند. با این تفاوت که در بعضی قطعه‌های کارشده تصویر کامل در فرم جا داده شده و در برخی دیگر، بخشی از تصویر در قالب فرم قطعه ترسیم نشده بود (تصویر ۹).

### ب. توصیف داده‌های آماری

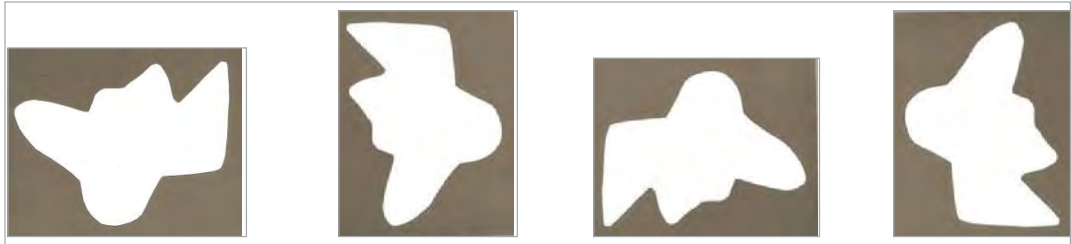
ابتدا براساس نمره آزمودنی‌ها در تست خلاقیت عابدی، افراد دارای خلاقیت زیاد و بسیار زیاد از سایرین جدا شدند. بدین ترتیب، دو گروه: خلاقیت بالا ( $N=20$ ) و خلاقیت پائین ( $N=60$ ) شکل گرفتند (جدول ۱).

براین اساس، روشن می‌شود که در گروه خلاقیت بالا هر سه شاخص برون‌گرایی (E)، گرایش به روان‌نژندی (N) دارند و خلاقیت (C) بالاتر از گروه خلاقیت پائین است. به‌عبارت‌دیگر، افرادی که نمره خلاقیت بالاتری داشته‌اند باوجود آن که یک‌چهارم کل آزمودنی‌ها را شامل شده‌اند میانگین نمره خلاقیت، برون‌گرایی و نیز گرایش به روان‌نژندی آنها بالاتر است.

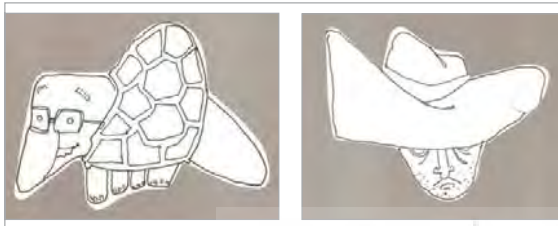
در بررسی محتوایی قطعه جادویی ترسیم‌شده آزمودنی‌ها، این نکته به‌دست آمد که در مجموع، تمایل به ترسیم چهره کلاه‌به‌سر بیشتر از موضوعات دیگر بوده است. رابطه این تداعی‌ها با میزان خلاقیت و درون‌گرایی - برون‌گرایی، در بخش استنباطی تحلیل داده‌ها نیز بررسی خواهد شد.

مطالب جدول ۲، نشان‌دهنده فراوانی و درصد افرادی است که با استفاده از قطعه جادویی به ترسیم مضامین مختلف پرداخته‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیش از ۳۶ درصد از آزمودنی‌ها با دیدن قطعه جادویی، چهره کلاه‌به‌سر را ترسیم کرده‌اند. درحالی که ترسیم سایر مضامین درعین تفاوت داشتن از منظر فراوانی، با اختلاف زیادی از آن (تداعی چهره کلاه‌به‌سر) قرار گرفته‌اند.

مطالب جدول ۳ که براساس بررسی و تحلیل پرسش‌نامه محقق ساخته به‌دست آمد، توزیع فراوانی مربوط به نخستین



تصویر ۳. قطعه جادویی از زوایای مختلف (نگارندگان)



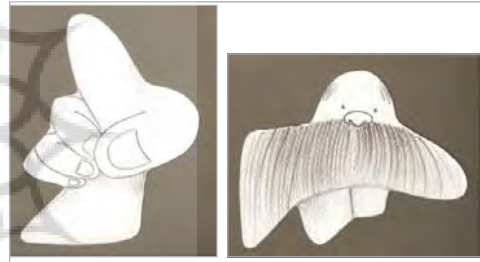
تصویر ۵. پشت‌ورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است  
(نگارندگان)



تصویر ۴. پشت‌ورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است  
(نگارندگان)



تصویر ۷. محتوای یکسان در یک جهت از دو آزمون‌گر مختلف  
(نگارندگان)



تصویر ۶. پشت‌ورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است  
(نگارندگان)



تصویر ۸. محتوای یکسان در چهار جهت مختلف (نگارندگان)



تصویر ۹. در دو تصویر سمت راست وفاداری کمتری نسبت به فرم در مقایسه با سمت چپ دیده می‌شود (نگارندگان)



تصویر، ترجیح رنگ و احساس حرکت آزمودنی‌ها را در برخورد با قطعه جادویی نشان می‌دهد.

با بررسی مطالب جدول ۳، می‌توان دریافت که در این تست تصویری (قطعه جادویی)، بیشتر آزمودنی‌ها در همه طبقات موضوعی ذکر شده، نوعی تجسم حرکت را در این قطعه تصور کرده‌اند. به عبارت دیگر، ذات فرمی این قطعه به گونه‌ای است که فارغ از مقوله پاسخ یعنی اینکه آزمودنی روح، کفش، کلاه یا هر چیز دیگر که در آن دیده است، همراه با آن تجسمی از حرکت و عموماً روبه بالا یا روبه جلو است. این موضوع، می‌تواند تاحدی ناشی از القای این احساس به واسطه شکل خاص قطعه باشد. گذشته از این، مضمون چهره انسان چه نیم‌رخ و چه تمام‌رخ، به عنوان نخستین تصویر تداعی شده در ذهن آزمودنی‌ها به چشم می‌خورد.

### ج. تحلیل استنباطی داده‌ها

همبستگی بین خلاقیت و نمره بالا در مقیاس‌های برون‌گرایی و گرایش به روان‌نژندی از نظر آماری، معنی‌دار بوده است. به عبارت دیگر، افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افرادی با خلاقیت پائین، برون‌گراتر هستند (جدول ۴).

اگرچه میزان خلاقیت بر اساس مقیاس لیکرتی است (۱۲۰-۱۰۰ بسیار بالا، ۹۹-۸۵ بالا، ۸۴-۷۵ متوسط، ۷۴-۵۰ کم و ۴۹-۰ بسیار کم) اما در اینجا با نقطه برش را ۸۰ فرض کنیم، افراد بالای این نمره تحت عنوان خلاقیت بالا و افراد پائین‌تر از آن با خلاقیت پائین دسته‌بندی می‌شوند که ۳۹ نفر در گروه خلاقیت بالا و ۴۱ نفر در گروه خلاقیت پائین، قرار می‌گیرند. طبق جدول، چشمگیرترین تفاوت موضوعات یا تداعی‌های تصویری از این قطعه جادویی به موضوع چهره کلاه‌به‌سر با تفاضل ۵ و موضوعات متفرقه با تفاضل ۷ اختصاص دارد. پس می‌توان گفت در این آزمون، افرادی با خلاقیت بالا بیشترین تداعی آنها تصاویری متفرقه و متفاوت بوده است و افرادی با خلاقیت پائین‌تر، بیشتر تصاویری با موضوع چهره کلاه‌به‌سر را تداعی و سپس ترسیم کرده‌اند (جدول ۵).

همان‌طور که در جدول مذکور دیده می‌شود، با نقطه برش ۱۰، افراد درون‌گرا و برون‌گرا تفکیک شدند. در این نمونه آماری، هنرمندان تجسمی بیشتر از نصف آزمون‌گران برون‌گرا هستند که بیشترین اختلاف مربوط به موضوع چهره کلاه‌به‌سر است. بدین ترتیب افرادی که این تداعی تصویری را داشته‌اند، برون‌گراتر هستند.

همچنین بر اساس مجذور خی<sup>۲</sup> به دست آمده، رابطه احساس حرکت با مضامین ذکر شده از نظر آماری معنی‌دار و نشانگر حالت یا فرمی است که قطعه داشته است.

### بحث

پژوهش حاضر، با هدف بررسی ارتباط و جستجوی نوع رابطه بین تداعی‌های تصویری با وجه درون‌گرایی- برون‌گرایی شخصیتی و میزان خلاقیت روی جامعه هنرمندان تجسمی، به دلیل توانایی و مهارت آنها در ترسیم (عینی کردن) تصویرسازی ذهنی انجام شد. در ابتدا دیده شد که افرادی خلاق‌تر، برون‌گراتر و با حساسیت‌های شخصیتی بیشتری گزارش شدند. سپس از بررسی‌های محتوایی و آماری درباره برخورد‌های متنوع هنری آزمون‌گران با این قطعه جادویی و نیز نتایج دو آزمون هنجار شده خلاقیت و شخصیت و همچنین پرسش‌نامه محقق ساخته، نتیجه نهایی حاکی از آن بود که تداعی تصویری با موضوع چهره کلاه‌به‌سر از بقیه موضوع‌های کار شده بیشتر بود. به طوری که افرادی با خلاقیت پائین نسبت به افراد خلاق‌تر بیشترین تداعی آنها همین موضوع چهره کلاه‌به‌سر بود که نشانگر دید یکسان و مشابه است و شاید دلیلی بر وجود شباهت این موضوع با فرم قطعه جادویی در اولین برخورد و تداعی نخستین و نمایانگر ابتکار کمتر در خلق و ترسیم این موضوع باشد. از آنجایی که ابتکار یکی از ۴ عامل خلاقیت (از دیدگاه تورنس) است، می‌توان گفت افراد کمتر خلاق به اولین تداعی اکتفا کردند. در مقابل، افراد با خلاقیت بالا بیشترین تداعی تصویری آنها موضوعات متفرقه نسبت به آزمون‌گرانی با خلاقیت پائین بود. چون موضوعات متفرقه، تداعی‌هایی بودن که به دلیل تنوع، گوناگونی و تفاوت با یکدیگر در یک گروه خاص قرار نمی‌گرفتند، نشانگر ابتکار یعنی استعداد تولید ایده‌های نو و غیرمعمول و در نتیجه خلاقیت بالا بود. از طرفی، بیشتر آزمون‌گران به دلیل زمینه کار هنری و برون‌ریزی احساسات و عواطف بنابر ضرورت کار و حرفه آنان، طبق آمار نزدیک به دوسوم برون‌گراتر گزارش شدند. در این بین، افراد برون‌گراتر دارای بیشترین تداعی چهره کلاه‌به‌سر نسبت به افراد درون‌گرا بوده‌اند که شاید به دلیل بیشترین فراوانی این موضوع نسبت به دیگر موضوعات و نیز نسبت بیشتر افراد برون‌گرا نسبت به درون‌گرا در این نمونه آماری از جامعه هنرمندان تجسمی اصفهان باشد. همچنین، فرم این قطعه برای اکثریت حسی از حرکت را القا می‌کرد. از آنجا که فرم مقوایی بی‌هدف برای همه آزمون‌گران یکسان بوده، برخوردها و تداعی‌های آنها متفاوت بود. شاید بتوان در آینده‌ای نزدیک، با توجه به عوامل تأثیرگذار (مداخله‌گرهای درونی و بیرونی فرد) بر این گوناگونی و تنوع طراحی‌های ترسیم‌شده بر قطعه، به تفاوت‌های فردی اعم از نوع درون‌گرایی و برون‌گرایی شخصیتی و میزان خلاقیت آنان به طور مستقل از روی تصویر رسم‌شده بر این قطعه جادویی در پژوهش‌های گسترده‌تر بین جامعه هنرمندان تجسمی پی‌برد.

جدول ۲. فراوانی و درصد موضوعات ترسیم شده در قطعه مقوایی

موضوع	چهره مرد بینی بزرگ	چهره کلاه به سر	پرنده	هواپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت‌های کار تونی	کفش	متفرقه	جمع
نمونه تصویری											
تعداد	۴	۲۹	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰
درصد	۵	۳۶.۳	۸.۸	۳.۸	۶.۳	۳.۸	۳.۸	۶.۳	۳.۸	۲۲.۵	۱۰۰

(نگارندگان)

جدول ۳. مقایسه نخستین تصویر تداعی شده؛ ترجیح رنگ و نوع حرکت آزمودنی از قطعه جادویی

موضوع	نخستین تصویر تداعی شده	ترجیح رنگ	الفای نوع حرکت
چهره مرد با بینی بزرگ	آدم فضایی، آدم بی حال، فیگور	آبی، بنفش، صورتی	حرکت آرام
چهره کلاه به سر	آدم، نیم رخ آدم، چهره مرد با کلاه، نیم تنه	آبی، زرد، سفید، نارنجی	رقص، پرواز، حرکت به جلو
پرنده	پرنده، چهره کلاه به سر، خفاش، گل	آبی، قهوه‌ای، نارنجی، سفید	پرواز، حرکت روبه بالا
هواپیما	پرنده، هواپیما، اسباب بازی	آبی، زرد، سفید	حرکت آرام هواپیما، حرکت روبه بالا
روح	زن، چهره انسان، روح	نارنجی، سفید	سکون (بی حرکتی)، پرواز
چهره زن موبسته	عقاب در حال پرواز، موز باز شده	زرد، سیاه و سفید	پرواز پرنده، حرکت منحنی
مادر و کودک	سایه هواپیما، مادر و کودک، فیگور انسان	سرخایی، بنفش، سیاه و سفید	حرکت فیگور، اوج گیری هواپیما
شخصیت‌های کار تونی	فیگور، چهره انسان، تصویر انتزاعی	خاکستری، قرمز، آبی، سفید	افتادن، باد، معلق بودن
کفش	چکمه، پوتین، کفش	خاکستری	حرکت دورانی، راه رفتن
متفرقه	آدم، چهره انسان	آبی، سیاه و سفید	حرکت منحنی

(نگارندگان)

جدول ۴. مقایسه میزان خلاقیت با تداعی‌های تصویری

موضوع	چهره مرد بینی بزرگ	چهره کلاه به سر	پرنده	هواپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت‌های کار تونی	کفش	متفرقه	جمع
خلاقیت بالا	۱	۱۲	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۰	۱۳	۳۹
خلاقیت پائین	۳	۱۷	۴	۱	۲	۱	۱	۳	۳	۶	۴۱
جمع کل موضوعات	۴	۲۹	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰

(نگارندگان)

جدول ۵. مقایسه درون گرایی - برون گرایی با تداعی‌های تصویری

موضوع	چهره مرد بینی بزرگ	چهره کلاه به سر	پرنده	هواپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت‌های کار تونی	کفش	متفرقه	جمع
برون گرایی	۳	۱۸	۴	۲	۳	۲	۲	۴	۲	۹	۵۱
درون گرایی	۱	۱۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹	۲۹
جمع کل موضوعات	۴	۲۹	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰

(نگارندگان)





## نتیجه‌گیری

در بررسی یافته‌های این پژوهش، نتایجی بدین شرح به دست آمد:

بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت افراد با تداعی تصویری رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افراد کمتر خلاق، برون‌گرا تر هستند. بیشترین تداعی تصویری هنرمندان با میزان خلاقیت پائین‌تر چهره کلاه‌به‌سر بود و افراد خلاق‌تر به ترسیم موضوعات متفرقه بیشتر تمایل داشتند. از آنجا که خلاقیت بالا با برون‌گرایی و روان‌نژندی رابطه معنی‌داری دارد، می‌توان گفت بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت با تداعی‌های تصویری میان هنرمندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد با برون‌گرایی شخصیتی بین آزمون‌گران بیشتر از افراد درون‌گرا بود و تفاوت برون‌گرایی با درون‌گرایی در موضوع چهره کلاه‌به‌سر بود که افراد برون‌گرا در ترسیم آن سهم بیشتری داشتند. همچنین، نتایج نشان داد که بین مضامین مختلف حاصل از تداعی‌های تصویری افراد از قطعه مقوایی فقط تجسم چهره کلاه‌به‌سر با فرم قطعه رابطه معنی‌داری دارد و بین احساس حرکت و تداعی‌های تصویری مختلف نیز رابطه معنی‌دار وجود داشته است. این رابطه احتمالاً ناشی از حالت یا فرمی است که قطعه داشته و این حرکت، اغلب رو به بالا یا جلو تجسم شده است.

## محدودیت‌ها

- جامعه این پژوهش به دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان و جمعی از اعضای انجمن هنرمندان نقاش اصفهان محدود بوده و بنابراین، نتایج را نمی‌توان به سایر هنرمندان تعمیم داد.
- به دلیل وقت کمی که افراد شرکت‌کننده در پژوهش داشتند، امکان استفاده از سایر پرسش‌نامه‌ها برای پژوهشگر میسر نبوده است.

## پیشنهادها

- در پژوهش‌های آتی از سایر آزمون‌های شخصیتی و آزمون تخیل نیز استفاده شود.
- پژوهش حاضر روی دیگر گروه‌های هنرمندان و دانشجویان هنر و همچنین کودکان انجام شود.
- در پژوهش‌های آتی درباره عوامل تأثیرگذار بر تداعی تصویری و علل تنوع آن تداعی‌ها بین هنرمندان بررسی‌هایی انجام شود.

## سپاس‌گزاری

از دانشجویان و استادان دانشگاه هنر اصفهان و اعضای انجمن هنرمندان نقاش اصفهان که با اختصاص دادن وقت ارزشمند خود برای انجام این آزمون‌ها پژوهشگر را در انجام این کار یاری رسانده‌اند، سپاس‌گزاری می‌شود.

## بی‌نوشت

1. Davinci
2. Botticelli
3. Binet
4. Whipple
5. Rybakov
6. Burllet
7. Hermann Rorschach
8. Thematic Imagery
9. Beck





10. Klopfer
11. Thematic Apperception Test
12. Henry Murray
13. Bender

۱۴. در زمان رورشاخ نیز به دلیل فریبندگی و رمزگونه بودن این آزمون، به آن لقب اشعه X ذهن می دادند که این به افزایش قدرت و سحرآمیز بودن آن کمک کرده است (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۶۲). در اینجا هم به دلیل اینکه از یک الگوی یکسان به تعداد جامعه آماری تنوع تداعی تصویر و ترسیم تصویر وجود دارد، لقب قطعه جادویی داده شده است.

۱۵. از این جهت گفته می شود که تفسیرها در این نوع تست، ذهنی است که ذهنیت تفسیر دوبرابر می شود. زیرا نه تنها مراجع بخشی از شخصیت خود را به تصویر فرافکنی می کند بلکه تفسیرکننده هم ممکن است بخشی از شخصیت خود را در تفسیرهایش فرافکنی کند (مارنات، ۱۳۸۴: ۹۴۴).

۱۶. برای آگاهی بیشتر نگاه شود به:

- عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن، پژوهش‌های روان‌شناختی. (۱ و ۲)، ۴۶-۵۴.

17. Eysenck Personality Inventory
18. Torrance Creativity Test

۱۹. سیالی: استعداد تولید ایده‌های فراوان؛ بسط: استعداد توجه به جزئیات؛ ابتکار: استعداد تولید ایده‌های نو و غیرمعمول و انعطاف‌پذیری: استعداد تولید ایده‌ها یا روش‌های بسیار گوناگون را می‌سنجد (عابدی، ۱۳۷۲: ۲).

۲۰. به علت تفاوت بین عقیده رایج و معنی موردنظر از برون‌گرایی و درون‌گرایی، به توضیحاتی اشاره می‌شود: طبق نظر کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) افراد برون‌گرا، نظری عینی و غیرشخصی درباره دنیا دارند و درون‌گراها اصولاً به صورت ذهنی یا فردی مسائل را در نظر می‌گیرند. اما به اعتقاد آیزنک، افراد برون‌گرا با صفات معاشرتی و تکانش‌گری مشخص می‌شوند و درون‌گراها با صفات مخالف برون‌گراها (آرام، نافع، بااحتیاط، صلح‌جو و مقید) مشخص می‌شوند (فیست، ۱۳۸۳: ۴۷۳). براساس چهار مزاج جالینوس مزاج‌های صفراوی و دموی نزدیک به برون‌گرایی هستند و سوداوی و بلغمی‌ها ویژگی‌های مشترکی مطابق با خصوصیات درون‌گرایی دارند (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

21. Content
22. Determinants
23. Location

۲۴. آزمون خی دو (کی دو یا مربع کای)، از آزمون‌های آماری و از نوع ناپارامتری است که برای ارزیابی هم‌قواری متغیرهای اسمی به کار می‌رود.

## منابع و مأخذ

- آقایی، اصغر؛ ملک‌پور، مختار و جلالوند، لادن (۱۳۸۲). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان با افراد عادی، دانش و پژوهش در روان‌شناسی. (۱۸)، ۴۱-۶۴.
- اختیاری، حامد؛ صفایی، هومن؛ اسماعیلی جاوید، غلامرضا؛ عاطف وحید، محمدکاظم؛ عدالتی، هانیه و مکرری، آذرخش (۱۳۸۷). روایی و پایایی نسخه‌های فارسی پرسش‌نامه‌های آیزنک، بارت، دیکمن و زاگرن در تعیین رفتارهای مخاطره‌جویانه و تکانشگری، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. سال چهاردهم، (۳)، ۳۲۶-۳۳۶.
- بهرامی، هادی (۱۳۸۳). آزمون‌های فرافکنی شخصیت. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- تاد، جودیت و بوهارت، آرتور سی (۱۳۷۹). اصول روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- تورنس، ئی. پال (۱۳۹۲). خلاقیت. ترجمه حسن قاسم‌زاده، چاپ پنجم، تهران: دنیای نو.
- دادستان، پریخ و منصور، محمود (۱۳۷۶). روان‌شناسی بالینی. تهران: بعثت.
- دائمی، حمیدرضا و مقیمی، فاطمه (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت، تازه‌های علوم‌شناختی. سال ششم، (۳)، ۱-۸.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۳). تغییر رفتار و رفتاردرمانی نظریه‌ها و روش‌ها. تهران: دانا.
- صنعتی، محمد (۱۳۸۹). تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات. تهران: مرکز.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن، پژوهش‌های روان‌شناختی. (۱ و ۲)، ۴۶-۵۴.
- فیست، جس و فیست، گریگوری جی (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه سیدیحیی محمدی، تهران: روان.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷). روان‌شناسی شخصیت. چاپ دوازدهم، تهران: ویرایش.



- مارنات، گری گراث (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی. ترجمه حسن پاشاشریفی و محمدرضا نیکخو، تهران: سخن.
- مای‌لی، ربرتو. (۱۳۸۱). ساخت پدیدآیی و تحول شخصیت. ترجمه محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران.
- متقی، مریم (۱۳۹۱). تست خلاقیت تورنس (تصویری)، <http://mottaghi1386.blogfa.com/post-31.aspx>، (بازیابی شده در تاریخ: ۹۲/۴/۲۹).
- محمودی، غلامرضا (۱۳۷۹). بررسی رابطه خلاقیت هنری و رفتار نابهنجار، دانش و پژوهش در روان‌شناسی. (۶)، ۴۳-۵۹.
- مرادی، جلال (۱۳۸۴). بررسی پاسخ‌های عمومی تست رورشاخ (پاسخ‌های P) در سطح دانشگاه اصفهان مقطع سنی بزرگسالان. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- Bruce, V.; Green, R. & Georgeson, M. (2010). **Visual Perception: Physiology, Psychology and Ecology**. New York: Psychology Press.
- Croucher, C. J.; Bertamini, M. & Hecht, H. (2002). Naive Optics: Understanding the Geometry of Mirror Reflections. **Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance**, 28: 546-62.
- Dolev, J. C.; Friedlaender, L. K. & Braverman, I. M. (2001). Use of Fine Art to Enhance Visual Diagnostic Skills. **Journal of American Medical Association**, 286: 347-68.
- Lanyon, R. I. & Goodstein, L. D. (1997). **Personality Assessment** (3rd Ed.). New York: Wiley.
- Meloy, J. R. & Gacono, C. B. (1992). The Aggression Response and the Rorschach. **Journal of Clinical Psychology**, 48: 105-114.
- Rogowitz, R. E. & Voss, R. F. (1990). Shape Perception and Low Dimension Fractal Boundary Contours, **Proceedings of the Conference on Human Vision: Methods, Models and Applications**, S.P.I.E., 1249, 387-394.
- Santella, A. (2005). The Art of Seeing: Visual Perception in Design and Evaluation of Non-Photorealistic Rendering. PhD Dissertation: The State University of New Jersey.
- Weiner, I. B. (1994). The Rorschach Inkblot Method (RIM) Is not a Test: Implications for Theory & Practice. **Journal of Personality Assessment**, 62, 498-504.
- Wood, J. M. & Lilienfeld, S. O. (1999). The Rorschach Inkblot Test: A Case of Overstatement?, **Assessment**, 6: 341-349.
- Young, G. R.; Wagner, E. E. & Finn, R. F. (1994). A Comparison of Three Rorschach Diagnostic Systems and Use of the Hand Test for Detecting Multiple Personality Disorder in Outpatients. **Journal of Personality Assessment**, 62: 485-497.